****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**پلاتفرمی دشمن ساز و ایران بر باد ده!**



**حسن بهگر**

چند روز پیش اعلامیه ای مبنی بر ائتلاف 10 سازمان قومی تجزیه طلب انتشار یافت که امضای دو گروه سیاسی جمهوریخواهان لائیک و شورای موقت سوسیالیست چپ را نیز دربرداشت . در میان نوشته هایم به مطلبی برخوردم مربوط به تقریبا 15 سال پیش در نقد پلاتفرم جنبش فدرال- دموکرات آذربايجان که جمهوریخواهان لائیک به انتشار آن مبادرت ورزیده است . این بیانگر آنست که این سازمان از مدت ها قبل سیاست حمایت از تجزیه ایران تحت عنوان حمایت از اقلیت های قومی را دنبال می کرده و بهیچوجه تغییری در آن داده نشده است . از این رو انتشار دوباره این مقاله را برای یادآوری لازم دیدم.

ح.بهگر 10 مارس 2019

درآمد

موجودیت ایران خودهم دلیل وهم الگویی برای همزیستی مسالمت آمیز اقوام است و اصولا از اعماق تاریخ بر این اساس شکل گرفته است و هرگز نزاع قومی و نژادی نداشته است، چنانکه همواره تلاش بیگانگانی که چشمداشتی به خاک ایران داشته اند برای برانگیختن اقوام ایرانی علیه یکدیگر ناکام مانده است. در جنگ دوم جهانی و اشغال ایران، با پشتیبانی شوروی، فرقه ی دموکرات آذربایجان و جمهوری مهاباد تشکیل شد که با خروج این قوا نیز این حکومت های بیگانه ساخته نیز ازبین رفتند و هیچ مقاومتی نیز از مردم دیده نشد و پس از آن نیز شاهد ظهور چنین ادعاهایی نبوده ایم . با این وجود گروه های معددودی (بیشتر هم در خارج از کشور) به هر بهانه ای در تجدید این خاطره، از حقوق اقوام و ملیت ها سخن می گویند بدون اینکه به زیان و سود آن توجه کنند، بدون اینکه بررسی کنند ایران دوران اقوام را سپری کرده است و امروز مردم ایران در مرحله خیزش برای به دست آوردن و تثبیت حقوق شهروندی و آزادی های فردی و اجتماعی هستند و طرح چنین مسایلی نه تنها سودی دربر ندارد بلکه به زیان جنبش علیه نظام کنونی نیز می باشد. طرح مساله قومی به دلایل بسیاری واپس گرایانه و به سود جمهوری اسلامی و به زیان ملت ایران است.

برای پاسخ دادن به این پلاتفرم که بدون دلیل و بدون احساس مسئولیت یک سری مطالب را مطرح کرده است شاید کتاب ها باید نوشت تا اشکال های حکایت خسن و خسین گونه رفع شود. گرچه که این کار در پایان نیز سودی در بر ندارد و هر بار این جعلیات به شکلی دیگر ادامه می یابد. ولی نکته اینجاست که پیش از این اغلب این افراد با نام «انجمن آذربایجان» فعالیت هایی داشته و موفقیتی کسب نکرده اند و با دریغ بسیار این بار توانستند در پوشش جمهوریخواهان لائیک ظاهر شوند.

پلاتفرم «جنبش فدرال – دموکرات آذربایجان»

پلاتفرمی بنام «جنبش فدرال – دموکرات آذربایجان» انتشار یافته است که خود را ادامه ی «مجلس ملی آذربایجان» در صدر مشروطیت و «دولت آزادستان شیخ محمدخیابانی» و «حکومت ملی آذربایجان به رهبری سیدجعفر پیشه وری» میداند که خواستار سیستم دولتی غیرمتمرکز مبتنی بر فدرالیسم ملی (اتنیک) باشد. در چند سطر پایین تر ناگهان آذربایجانی ها با ترک ها مخلوط شده اند و با عنوان «همه ی ترک ها – آذربایجانی های آزادیخواه» و دیگر اقوام «ساکن ایران» را مخاطب قرار داده است. این پلاتفرم زبان ترکی را هسته ی اصلی و سنگ بنای هویت ملی ترکان ایران می داند و خواستار حکومتی فدرالیستی ملی از جمله «سیستم دو پارلمانی» است. این بیانیه محل ترک های آذربایجان را در سرزمین های تاریخی آذربایجان (مناطق بهم پیوسته تاریخاً ترک نشین) می داند (از کجا آغاز و به کجا پایان می پذیرد احتیاج به گفتن ندارد فقط باید قوه ی تخیل خود را به کار اندازید. تازه به این می گویند ادعاهای عدالتخواهانه، مستند و خردمندانه !!؟) و افزون بر آن ترک های خراسان و ترک های قشقایستان!؟ را در مناطق جنوبی ایران به برپایی حاکمیت های محلی خود تشویق می نماید. امور قانونگذاری، قضاوت، انتظامات تا سیاست خارجی در اختیار این حکومت های محلی است. همه ی زبان های اقوام یاد شده نیز زبان رسمی است. البته آشکار نیست چرا اقوام دیگر ایرانی از ان جمله لر، گیلک و مازندرانی از قلم افتاده اند و تازه اگر به زبان باشد سدها زبان دیگر مانند: مینابی، سنگسری و تنکابنی و ... را نیز باید به شمار آورد. خوب است این دوستان برداشت خود را از زبان رسمی بیان کنند که به چه معناست.

فدرالیسم برچه مبنایی؟ نژاد یا زبان ؟

اختلاف لهجه ملیت نزاید بهرکس

ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان

محمد حسین شهریار (قصیده آذربایجان)

اگر این پلاتفرم بر اساس فدرالیسم قومی یانژادی و به قول خودشان اتنیک (ethnic) ترک بودن است بایستی از چین تا مغولستان و ترکستان وقرقیزستان و ... را دربرگیرد و اگر بر اساس زبان باشد باید تا مرزهای اروپا و دروازه اتریش به استقبال آن رفت. ازآن گذشته آذربایجانی ها ترک نیستند و اقوام ترک برآنها وارد شدند وبخش بسیاربسیار کوچکی از آنها هنوز هم بصورت قبیله ای زندگی می کنند. افزون برآن تأکید بر زبان ترکی یا به عبارت درست تر «ترکی شده» که هسته اصلی و سنگ بنا هویت را تشکیل می دهد، ناقض اصل فدرالیسم نژادی آقایان است که براساس خویشاوندی و نژاد می خواهند برپا کنند. بنابراین پلاتفرم تکلیف را مشخص نکرده است که این فدرالیسم بر مبنای زبان است یا نژاد؟ و آیا کسانی که می توانند به این زبان حرف بزنند ولی به اصطلاح ترک نژاد نیستند نیز در این پلاتفرم جا دارند یا خیر؟

آدم مارگزیده از ریسمان سیاه وسفید می ترسد. نکند خدای ناکرده درفردای تشکیل جمهوری های ادعایی کسانی که مدعی ترک بودن از نژاد ناب هستند، ترک های دیگررا که فقط به زبان ترکی حرف می زنند ترک ندانند و آنها را قتل عام کنند. نه اینکه توهم و خیالپردازی باشد، خوب وقتی حکومتی بر اساس نژاد تشکیل شود خواه ناخواه این راه را می پیماید.

معمولاً گروه های قومی به این سبب ، مبارزه می کنند که مورد تبعیض قرار گرفته اند و از حقوقی که دیگران از آن برخوردارند، برخوردار نیستند. آیا آذربایجانی ها برای به دست آوردن شغل یا مسکن یا... مورد تبعیض قرار می گیرند؟

گروه های قومی هم از نظر قومی و هم از نظر فیزیکی مانند سرخ پوستان یا سیاه پوستان آمریکا از دیگران متمایزند. بیشتر ازدواج درون گروهی دارند و فقط با یکدیگر معاشرت می کنند. آیا درمورد آذربایجانی ها چنین چیزی مصداق دارد؟ آذربایجانی ها اصولاٌ ایرانی هستند و و با اقوامی که نیز برآنها وارد شده اند چنان درهم آمیخته اند که تشخیص اینکه چه کسی آذربایجانی است و چه کسی ترک است، پس از گذشت قرن ها قابل تشخیص نیست. این آمیختگی در سایر شهرهای ایران نیز صورت گرفته است. امروز نمی توان خانواده ها را پریشان و ازهم جداساخت که فلان کس اذربایجانی است و...

تنها موردی که بدان استناد می شود محروم بودن از نوشتن و خواندن به زبان ترکی بوده، آنهم در یک دوره محدود پادشاهی پهلوی ها. چاره ی آن هم درجامعه کثرت گرای چند فرهنگی ایران در دوری گزینی و روی آوردن به گتو نیست، بلکه در رفع این معایب است که بتوانند به آموزش زبان وتحصیل آن تا سطح دانشگاه دست یابند.

درواقع چشم ما روشن برخی دوستانی که چندی پیش در جمهوریخواهان لائیک گرد هم امده بودند، اکنون با پیش کشیدن افکارقالبی و تاریخسازی خواستار حکومتی نژاد پرستانه شده اند که نتیجه ی آن دامن زدن به تعصبات قومی است و عواقب بس وخیمی دارد.

خیزش خیابانی

دولت آزادیستان خیابانی جای بحث فراوانی دارد و بهیچوجه با خواست های نویسندگان پلاتفرم هماهنگی ندارد. او نام آزادیستان را دراعتراض به پشتیبانی عثمانی از حزب مساوات که نام آذربایجان را (در سال 1918) برای اران انتخاب کرد برگزید و هرگز درخواست خودمختاری نیز نکرد. در 1920 بلشویک ها این سرزمین را اشغال کردند، ولی حکومت شوروی نام آذربایجان را به مانند استخوان لای زخم حفظ کرد. اما امروز باید بی پرده گفت خیزش خیابانی با انگیزه های شخصی و ارتجاعی شروع شد. تفصیل ماجرا را درتاریخ 18 ساله آذربایجان بخوانید . خیابانی ملایی بود که به دلیل انگیزه های شخصی، در انقلاب مشروطیت، هنگامی که صاحب منصبی سوئدی برا ی تشکیل شهربانی به شیوه ی مدرن و اروپایی آمد ه بود (سوئدی ها در تاسیس ژاندارمری نیز موفق بودند)، با درباریان و مالکان بزرگ متحد شد و به سبب اینکه زن یکی از متهمان به دزدی را برای بازجویی شهربانی احضارکرده بودند، فریاد وادینا و وامذهبا سرداد که اسلام با آمدن زن به بازجویی فنا شد و ... . (نگاه کنید به تاریخ 18 ساله آذربایجان – احمد کسروی – بخش چهارم – رویه 865)

حکومت ملی پیشه وری ؟

عاشق و مستی و بگشاده زبان

الله الله چون شتر بر نردبان

مولوی

نام بردن ازحکومت جعفر پیشه وری آنهم با صفت ملی یعنی حکومتی که بدست دولت شوروی و تحت نظر باقراوف رئیس جمهور آذربایجان شوروی و زیر چتر پشتیبانی شوروی، تشکیل شد، نه دم خروس که خود خروس را از لای قبای این پلاتفرم رسوا بیرون انداخته است. حکومتی که یکی از ننگین ترین بخش های تاریخ ما را تشکیل می دهد و در ایران فاجعه آفرید. شرح چگونگی این وابستگی و فاجعه ای که به کشتار بسیاری منجر شد و حتا خود پیشه وری نیز ازآن جان سالم بدرنبرد، در بسیار از زندگی نامه ها از جمله خاطرات دکترجهانشاهلو از سران این فرقه آمده و به اندازه ی کافی گویاست. اما بسیار بجا خواهد بود که باز به یک نقل قول از زنده یاد احمد کسروی بسنده کنیم که در همان زمان اشغال خاک ایران نوشت: « جای پرده پوشی نیست که آن خیزشی که در آذربایجان رخ داده موافق سیاست دولت شوروی بوده و با نظر آن دولت انجام گرفته. دلیلش گذشته از همه چیز، تحسین و تصویبست که رادیوی مسکو و روزنامه های شوروی در باره ی آن خیزش می نمایند. آنگاه چنانکه دیدیم ازقوای دولت جلو گرفتند به آذربایجان راه ندادند.» (سرنوشت ایران چه خواهد شد- احمد کسروی – رویه 62)

شما تاریخ معاصر ما و شاهدان عینی را که حتا در تبریزمردم پیش از رسیدن ارتش، سران فرقه را به دست خود اعدام کردند، می خواهید ندیده بگیرید و حکومت جانیانی چون غلام یحیی ها را آبرو ببخشید؟ خیال عبثی است.

اگر پیشگامان انقلاب مشروطیت هواخواه حکومتی ترک تبار بودند که قاجاریه ترک تبار بودند و نیازی به مجلس قومی نبود. در این انقلاب ستارخان، باقرخان، احمدطالب زاده، فتحعلی آخوندزاده، تقی زاده و احمدکسروی، همه آذربایجانی های ایران خواه بودند. آنان بهترین فرصت را برای جداسری در اختیار داشتند ولی چنین چیزی هرگز مشاهده نشد.

در ضمن باید برای اقوام غیر ترک قشقائیستان (به قول پلاتفرم) نیز فکری کرد چون ایل قشقایی مرکب از اقوام گوناگون ترک و کرد ولر و... است و یکپارچه ترک زبان نیست. به ویژه که درمیان همان قشقاییان ترک زبان (همانند بسیاری آذربایجانی ها) شاهنامه خوانی رسم است. شاید بد نباشد پلاتفرم معین کند که چه مجازاتی در انتطار آنهاست زیرا احتمالاً این اشخاص به عنوان ترک های خائن و یا ترک های تقلبی اگر اعدام نگردند باید دستکم طرد شوند.

شگفت آور اینکه نویسندگان پلاتفرم که معلوم نیست چه کسانی را نمایندگی می کنند در کشوری که از بنیان بر اساس همزیستی مسالمت آمیز اقوام شکل گرفته خواستار حکومتی نژاد پرستانه فقط از یک قوم شده اند و با این وجود از پلورالیزم (ترک به اضافه ترک می شود پلورالیزم ؟)، حقوق بشر (بخوانید فقط حقوق ترکان) و حقوق شهروندی دم می زنند. شما اگر آذربایجانی هستید با ترکان شما را چه نسبت است؟ این دومقوله یکی نیست. ایرانی بودن خصلت ملی ماست و آذربایجانی یا کرد یا بلوچی بودن ویژگی محلی ماست.

چنین تقسیم بندی نزادپرستانه نه تنها با واقعیت های جامعه ما نمی خواند و مرهمی بر زخم های تاریخی ما نمی گذارد، بلکه با ماهیتی واپس گرا و نژاد پرستانه می تواند عواقب شومی برای استقلال ایران دربرداشته باشد دارد و به یک خونریزی وبرادرکشی بیانجامد و بس !

لجاجت در این گونه موارد نه تنها رهگشا نیست بلکه پی آمدهای خطرناکی برای کشور خواهد داشت و حقوق برابر شهروندی که در پلاتفرم ادعایی نیز آمده، بهترین وجه عدالت سیاسی است که می تواند مشکل همه ایرانیان ازهر تیره و قوم را برآورده سازد. ایران الگوی همزیستی اقوام گوناگون در درازنای تاریخ بوده است. آن را ارج بگذاریم و از حقوق و آزادی همه آنها دفاع کنیم. «حق تعیین سرنوشت» تئوری پیامبرانی چون لنین و استالین بود و به زندان خلق ها منتهی شد. چه چیز دیگری جز این تجربیات تلخ لازم است که دست از این ایدئولوژی هایی که با شرایط اجتماعی ما نمی خواند برداریم. باز چقدر کشته، چقدر زندانی، چقدر ویرانی لازم است؟

این پلاتفرم اقوام وتیره های گوناگونی را که هزاران سال در ایران زیسته اند، اقوامی ساکن ایران نامیده است! این بدان معناست که آنها را ایرانی نمی داند. آیا این اقوام به زور و جبر به ایران آورده شده اند؟ تاریخ عکس آن را می گوید، اما تاریخ می گوید قبایل ترک به زور و جبر بر ایران چیره شدند و سدها سال حکومت کردند و ماندگار گردیدند. آیا هیچگاه کسی از کسب و کار و یا سکونت آنها جلوگیری کرده است؟ آیا آنها و آذربایجانی ها به خاطر اینکه تفاوت زبانی داشته اند از مناصب و کار های دولتی و مهم محروم بوده اند؟ آیا این سخت است که چشمان را بازکنیم و ببنیم که سردمداران حکومت اسلامی اغلب از آذربایجان هستند؟

همه ی گلایه ی شما در تاریخ معاصر در دوره ی رضاخان و محمدرضاست که اگر ستمی شده است، اختصاص به آذربایجانی و کرد و لر نداشته است. هیچکس حق نفس کشیدن نداشته است.

آمار سازمان ملل حاکی است که هر سال بیش از 1200 زبان در صحنه گیتی نابود می شوند. آنوقت کسانیکه خود را روشنفکر می نامند به سبب تفاوت زبانی می خواهند وحدت و یکپارچکی یک ملت را بر هم بریزند و تعصبات قومی را دامن بزنند. هیچکس قادر نیست چرخ زمان را به عقب برگرداند. ایلات وقبایل در جامعه مدرن تحلیل رفته و می روند و حسرت و دلتنگی برای آنها سودی ندارد. تجربه نشان داده است که همه ی این تاریخ سازی ها و ساختن ایدئولوژی از هویت قومی در تقابل با دولت مرکزی در خدمت اغراض شخصی کسانی است که درهیچ یک از زمینه های سیاسی گذشته خود پیروزی کسب نکرده و طالب ریاست قبیله ای گشته اند و همواره چشم به سوی دولت های خارجی دوخته اند چنانکه آشکار است ترک نامیدن آذربایجانی ها سیاست دیرین پان ترکیست ها در ترکیه بوده است. دیروز اتحاد جماهیر شوروی بود امروز ایالات متحد آمریکا مشوق این امر است . بیهوده نیست «چهرگانی » نماینده این طرز تفکر، پاسدار و نماینده مجلس جمهوری اسلامی به پابوسی بوش مشرف می شود .

نوامبر 2004

•پلاتفرم جنبش فدرال- دموکرات آذربايجان

http://www.achiq.org/herekat3/platform%20farsca.htm

ایران لیبرال